

## چگونه نقد و بررسی کتاب<sup>۱</sup> بنویسیم؟<sup>۲</sup>

سخنی در پاسخ به چرایی که هنگام کتاب خواندن بر ایمان پیش می آید

● مؤلف: رابرت بلکی

استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، سن برناردینو

● مترجم: مهرناز شیرازی عدل

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی  
mshiraziadl@gmail.com

«شخصیت مورد علاقه من در این کتاب...» و «من مطالعه این کتاب را به این دلیل توصیه می کنم که...» جملات خاصی هستند که از ویژگی های بارز گزارش کتاب به طور سنتی است، اما این جملات نمونه اعلای راهنمایی هایی نیز هست که می گوشت دانشجویان را برای ارزیابی انتقادی و نقد و بررسی کتاب ها که غالباً در بسیاری از کلاس های دانشگاه در انتظار آنهاست اندکی آماده کند. پرسش اینجاست که ما در مقام معلم چطور می توانیم گزارش های کتاب را از این سطح از سادگی فراتر بریم و هوش و توانایی اندکی را که از دانشجویانمان طلب می کند افزون سازیم؟ ما چگونه می توانیم نوشتن نقد و بررسی کتاب را آموزش دهیم؟ یعنی آموزش مهارتی که به رشد و گسترش مهارت های تفکر پیچیده تر و سطح بالاتر کمک می کند (مثل رشد کامل افکار و توضیح و توجیه واکنش هایمان در هنگام مطالعه کتاب، یعنی همان چرایی که در عنوان مقاله آمده)؛ مهارتی که فراتر از تکلیف و مشق شب، فی نفسه از ارزش آموزشی برخوردار است. آنچه در پی می آید پیشنهاد چند شیوه تفکر و راهکار عملی در پاسخ به این پرسش هاست.

نقد و بررسی کتاب، خواه به منظور انتشار در نشریات تخصصی نوشته شود و خواه برای انتشار در روزنامه یا ارائه در کلاس درس، عموماً در پی دستیابی به دو هدف مشترک است: نخست، خواننده را از مضمون کتاب مطلع سازد و دوم، ارزیابی ای فراهم آورد که نشان دهنده دآوری نقدنویس درباره کیفیت کتاب باشد. انجام این تکلیف دوجانبه غالباً برای بسیاری از دانشجویان کار آسانی نیست. اما از آنجاکه میزان موفقیت دانشجویان یا شکست آنها در انجام تکالیفشان تا حد زیادی

همان قدر که به هوش یا تجربه آنها بستگی دارد به وضوح و روشنی راه و روشی که در پیش می‌گیرند نیز وابسته است، من در اینجا راهکارهایی را طرح‌ریزی کرده‌ام که در ادامه آنها را معرفی می‌کنم. هدف از این راهکارها آن است که رشد افکار و نگارش نقد را آسان‌تر کند. این راهکارها بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه درسی من هستند، یعنی آن بخش از برنامه درسی من که به نقد و بررسی کتاب اختصاص یافته و این سه بخش را شامل می‌شود: (۱) بحثی درباره چستی نقد و بررسی کتاب و هدف از این تکلیف درسی به همراه توصیه‌هایی در زمینه چگونگی انجام این کار؛ (۲) شرحی در این باره که خلاصه کتاب چیست و چگونه می‌توان آن را نوشت؛ و (۳) توضیحی درباره جوهره نقد و امکانات متنوع آن که می‌توان (در قالب پرسش‌هایی) آنها را بررسی کرد. استادان می‌توانند و باید پرسش‌های پیشنهادی مرا مطابق با نیازهای خودشان و سازگار با سطح توانایی ادراکی دانشجویان‌شان تغییر دهند. به علاوه، من معمولاً در کلاس وقتی را به شرح شفاهی، و زمانی را نیز به پرسش و پاسخ اختصاص می‌دهم و هر دوی این کارها را یک‌بار زمانی انجام می‌دهم که برنامه درسی را توزیع کرده‌ام و بار دیگر هم یکی دو هفته پیش از آن که زمان ارائه تکلیف سر برسد.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۲  
بهار و تابستان ۱۳۹۷

۱۰

### گفتگو و آماده‌سازی

روشی مفید برای آماده کردن دانشجویان به انجام کاری که از آنها انتظار داریم گفتگوست و در این مورد گفتگو درباره ماهیت نقدنویسی است. هدف از نقد و بررسی کتاب چیست؟ چطور باید خواننده را آگاه کند؟ من دانشجویان را تشویق می‌کنم درباره انواع اطلاعاتی که نقد و بررسی کتاب باید حاوی آن باشد یا نباشد، تبادل نظر کنند؛ همچنین درباره شیوه‌های متنوعی که می‌توان بر اساس آن نقد کتاب را سامان داد و اینکه یک نقد تا چه حد مجاز است برای اعلام نظر شخصی نقدنویس به کار رود. البته هر یک از استادان در این زمینه رهنمودها و اهداف خود را دارند، اما از آنجا که همیشه برای رسیدن به هدفی واحد می‌توان رویکردهای متنوعی اتخاذ کرد شخصاً تا جایی که بتوانم می‌کوشم آزادی عمل بیشتری بدهم. ما همچنین درباره اینکه نقدنویس باید (یا نباید) چه فرضیاتی را مسلم بداند و درباره مخاطبانی که برایشان می‌نویسیم (یعنی سطح پیچیدگی نوشتار) نیز بحث می‌کنیم. من از دانشجویان می‌پرسم در مقام خواننده نقد و بررسی یک کتاب، چه چیزی دوست دارید بدانید که به شما کمک کند تا برای خواندن یا نخواندن آن کتاب تصمیم هوشمندانه‌ای بگیرید؟

من همچنین به دانشجویانم توصیه می‌کنم که وقتی مشغول خواندن کتابی می‌شوند که می‌خواهند بر آن نقد و بررسی بنویسند، کاغذ و قلم و دستورالعمل‌ها را دم‌دست بگذارند تا بتوانند از هر واکنشی که هنگام خواندن کتاب نشان می‌دهند

همان وقت و درست به همان شکل که به ذهنشان می‌رسد یادداشت بردارند. درست همان‌طور که کسی که شاهد وقوع جرمی بوده اگر آنچه را دیده است بلافاصله ثبت و ضبط کرده باشد، شاهد موثق تری محسوب می‌شود تا کسی که بخواهد بعداً آن را با رجوع به حافظه‌اش به یاد آورد. بنابراین دانشجویان هم بهتر است به جای آن که صبر کنند تا همه با هم جمع شوند و بعد از آن که کتاب تمام شد همه را با هم سروسامان دهند، همان وقتی که فکری به ذهنشان خطور کرد آن را یادداشت کنند و آن افکار را با وضوح بیشتری به خاطر بسپارند. به این ترتیب فکرها و اندیشه‌ها گم نمی‌شوند، به دست فراموشی سپرده نمی‌شوند یا ابتر نمی‌مانند و وقتی خواندن کتاب به پایان رسید دانشجویان صاحب مجموعه کاملی از یادداشت‌ها هستند که می‌توانند از مجموع آنها نقد و بررسی کتاب را فراهم آورند. اگر کسی صبر کند تا افکارش را بعد از خواندن کتاب گردآوری کند نتیجه‌اش احتمالاً سردرگمی و کمبود ایده است. در عوض، یادداشت‌برداری حین فرایند خواندن، مطلب بیشتری، حتی گاهی بیش از آنچه مورد نیاز است، گرد خواهد آورد. بنابراین هنگام برداشت محصول، نتیجه بیشتری عایدمان خواهد شد. نقد و بررسی کتاب هم مانند هر قطعه نوشتاری دیگر، خواه گزارش تحقیقی باشد، خواه برگه امتحانی پایان ترم، خواه هر چیز دیگر، زمانی خواندنی‌تر است که با مقدمه شروع شود. این مقدمه می‌تواند اشکال گوناگون داشته باشد؛ از جمله، داستان شخصی طنزآمیزی باشد که به موضوع کتاب مربوط است؛ داستانی کوتاه، برگرفته از خود کتاب که می‌توان برای معرفی محتوای وسیع‌تر کتاب از آن بهره گرفت؛ یا حتی نقل قولی زیرکانه که برای نوشتن مقدمه می‌توان بر آن تکیه کرد؛ از همه اینها می‌توان به شکلی مفید برای جلب توجه خواننده بهره گرفت. هرچند اطلاعات ساده‌تر و اساسی‌تری نیز هست که یک مقدمه تأثیرگذار باید اندکی از آن برخوردار باشد تا خواننده را آماده دریافت مطالبی کند که در پی خواهد آمد، یعنی مروری بر کتاب که هم خلاصه‌ای موجز از کتاب را در برمی‌گیرد و هم برداشتی از داوری کلی نقدنویس درباره کتاب را شامل می‌شود. بنابراین خواننده مجهز به چنین ابزاری که کارکردی همچون جمله نظریه<sup>۲</sup> دارد، آماده است تا به بخش اصلی نقد و بررسی کتاب وارد شود.

### خلاصه کتاب

خلاصه مؤثر از یک کتاب، شامل طرح کردن و تأکید بر مشخصه‌های اصلی، الگوها، مفاهیم، مضامین، اندیشه‌ها و خصوصیات کتاب است و تا حدی مجاز است به جزئیات بپردازد که محدودیت‌هایی که استاد آن را تعیین کرده امکان می‌دهد. خلاصه کتاب، می‌تواند به کوتاهی یک جمله باشد (البته اگر چنین حدی از تلخیص، مطلوب باشد اگر هم نبود به جایش می‌توان ماهیت چنین جمله‌ای را

همچون بخشی از مقدمه، یعنی به مثابه جمله حامل ایده اصلی<sup>۴</sup> به کار برد) یا در حد یک بند باشد یا می‌تواند در حد یک، دو، یا سه صفحه ادامه پیدا کند. به نظر من بهترین خلاصه کتاب، خلاصه‌ای است حدوداً سه صفحه‌ای (یا شامل نیمی از طول کل مقاله)، از این نظر که به دانشجو فرصت می‌دهد کتاب را توصیف کند بی‌آنکه سبب شود دیدگاه خود را به هدف نقد و بررسی کتاب از دست بدهد. از آنجاکه هرچه خلاصه کوتاه‌تر باشد نوشتن آن دشوارتر است (به این دلیل که بخش بیشتری باید به شکلی منسجم با کلماتی کمتر بیان شود) شاید بهتر باشد که استاد محدوده نوشتار را تا جایی که به‌طور متعارف، در حد دانش و توان دانشجویست تعیین کند.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۲۰۱  
بهار و تابستان ۱۳۹۷

۱۲

من در مرحله نگارش عملی خلاصه، دانشجویان را تشویق می‌کنم که از بیان خودشان استفاده کنند و اندیشه‌ها و خط داستان را در قالب کلمات و عباراتی جدید و از آن خودشان بریزند. در عین حال، کلمات و عباراتی که مستقیماً از خود کتاب نقل می‌شود باید در گیومه قرار بگیرد، اما باید در بیشتر موارد از استفاده از بیان خود نویسنده پرهیز کرد، چون این کار به تفکر اصیل لطمه می‌زند. به عبارت دیگر، خلاصه کردن راه خوبی برای یادگیری و همسان‌سازی و شرح اندیشه‌هاست اما این فرایند به خوبی صورت نمی‌گیرد، مگر آنکه آنچه خوانده و درک شده به زبان خود دانشجو بیان شود، و این کار باید به شیوه‌ای صورت گیرد که برای خود دانشجو نیز مفهوم باشد.

به علاوه اغلب برای دانشجویان خوب است که تلخیص را به شکلی ارائه دهند که بیانگر سازماندهی کتاب باشد. باید آن را به گونه‌ای نوشت که گویی کل کتاب را از تلسکوپی وارونه مشاهده کرده‌ایم، یعنی از آنجاکه یکی از اهداف مقاله نقد و بررسی کتاب، بیان این نکته است که یک کتاب تا چه حد سازماندهی مؤثری داشته است، خلاصه کردن کتاب به چنین شیوه تأمل‌انگیزی کمک می‌کند به این هدف دست یابیم. به بیان دیگر، ارائه تصویری حقیقی اما فشرده از کتاب باید شامل شیوه‌ای شود که در آن سازماندهی کتاب نیز ارائه شود؛ هر چند به منظور دستیابی به مقاله‌ای یکپارچه که ویژگی اصلی و نکته عمده روایت را برجسته سازد باید از خلاصه فصل به فصل اجتناب کرد.

در نهایت، برخلاف آنچه شاید بعضی از دانشجویان تصور کنند معمولاً نویسنده نقد با نوشتن خلاصه کتاب نمی‌تواند محتوای کتاب را شامل مجموعه‌ای از فرضیات یا دلایلی مبتنی بر تعدادی تصورات بداند و آن را به روشنی درک کند.<sup>۵</sup> حتی اینکه فقط به دانشجویان بگوییم آنها باید از تلخیص فراتر بروند و به قلمرو تحلیل وارد شوند به خودی خود کافی نیست. در عوض، همان‌طور که اسباب‌بازی‌های کودکان غالباً با دستورالعملی همراه است و شیوه ساختن و سرهم کردن آنها را آموزش می‌دهد، ما نیز باید به دانشجویان راهنمایی‌هایی ارائه کنیم که یک روش‌شناسی

بسازد و به آنها کمک کند تا ظرفیت تفکرشان را بالا ببرند.

## نقد

دانشجویان غالباً وقتی نوشتن نقد را به عهده می‌گیرند به دلایل متعدد دچار نگرانی می‌شوند. نخست به این دلیل که آنها نه نقدنویس حرفه‌ای هستند و نه در حوزه کتابی که می‌خوانند، متخصص؛ در نتیجه غالباً چنین تکلیفی را فراتر از سطح دانش خود می‌دانند. من معمولاً با این پرسش آنان روبه‌رو می‌شوم: «آخر چطور می‌توانم درباره موضوعی که از آن هیچ چیز نمی‌دانم دیدی نقادانه داشته باشم؟» دوم، از آنجاکه دانشجویان تجربه اندکی در زمینه نقدنویسی دارند یا در این زمینه به هیچ وجه تجربه‌ای ندارند فکر می‌کنند از این توانایی برخوردار نیستند. سوم، از این‌رو که غالباً به آنها اجازه داده شده با همان سطح از تفکر کم‌مایه که مستلزم هوش چندانی نبوده و وادارشان نکرده که سخت‌تر تلاش کنند میدان را خالی کنند. یکی از وظایف ما در مقام استاد این است که دانشجویان را وادار به پیشرفت کنیم، نشانشان دهیم کاری را که ورای توانایی‌شان به نظر می‌رسد چگونه انجام دهند. این همان چیزی است که من می‌کوشم با ارائه این راهکارها و پرسش‌هایی که در پی می‌آید به آن جامعه عمل بپوشانم.

در آغاز، در مقدمه این بخش از برنامه درسی خود برای دانشجویان روشن می‌کنم که یک نقد از چه بخش‌هایی تشکیل شده است: فکرها، پاسخ‌ها و واکنش‌ها به آنچه می‌خوانیم اجزای تشکیل‌دهنده نقدند. این نقد قرار نیست از لحاظ کیفی شبیه نقد یک متخصص باشد؛ یا انتظار نمی‌رود که نشان‌دهنده مهارت و استادی‌ای باشد که احتمالاً از آن برخوردار نیستیم - اگرچه با کسب تجربه می‌توانیم بیاموزیم که چگونه بر اساس دانش عمومی مان کتابی را نقد کنیم و بر پایه توانایی فردی مان مباحثه‌ای را درک کنیم یا فرضیه‌ای را بیازماییم. من همچنین می‌کوشم این تصور را که هر انتقادی باید منفی باشد از میان ببرم. در واقع من به دانشجویانم اطمینان می‌دهم که اگر فقط حرف‌هایی مثبت در تأیید مطالب کتاب دارند هیچ ایرادی ندارد؛ «شگردش» آن است که بتوانند هر موضعی را که اتخاذ کرده‌اند توجیه و آن را اثبات کنند.

من از دانشجویانم انتظار دارم که نسبت به کتاب واکنش نشان دهند، اما از آنجاکه آنها نمی‌دانند باید به چه چیزی واکنش نشان دهند این امر، خود به بخشی از مشکل تبدیل می‌شود؛ بنابراین، من پرسش‌های مهم زیادی فراهم کرده‌ام که دانشجویان را تشویق می‌کنم پیش از خواندن کتاب، در خلال آن و پس از خواندن، آنها را در ذهن داشته باشند. این پرسش‌ها در مجموع، بهانه‌ای فراهم می‌کند که حواس دانشجو را از امنیتی که بی‌تجربگی برایش به ارمغان آورده و راه‌گریزی آسان بر سر راهش قرار داده، پرت کند و یاری‌اش کند تا ذهنش و توانایی‌های تفکر

انتقادی‌اش را تقویت کند. تأکید می‌کنم که این پرسش‌ها را نباید به ترتیب پاسخ گفت. نباید آنها را مثل شماره‌هایی دانست که به مشتریان فروشگاه می‌دهند تا به نوبت صدایشان کنند. در واقع، شمار این پرسش‌ها بسیار بیش از آن است که تنها یک نقد بتواند به تمامی آن پردازد. اینها در مقابل، به‌مثابه نوعی یادآوری است تا مخازن فکری را به‌خوبی پر کند و شیوه‌های پژوهش را به کسانی که در حوزه نقد نوآموزند، آموزش دهد. استادان باید این فهرست را مرور کنند و تا جایی که به نظرشان مناسب می‌رسد راهنمایی را از آن میان برای دانشجویانشان برگزینند. دانشجویان نیز باید آموزش ببینند تا مفیدترین پرسش‌ها را انتخاب کنند (مثلاً برای یک نقد سه صفحه‌ای، پنج تا هفت پرسش) و بر آن متمرکز شوند. بنابراین، پاسخ دادن به هر تعداد پرسشی که مناسب می‌دانید بخشی از یک مقاله روان و خوشخوان را تشکیل می‌دهد که جملات حامل ایده اصلی<sup>۷</sup> و روابطها<sup>۸</sup> آن را کامل می‌کند. به‌بیان دیگر، نقد مؤثر، نوشتاری است که منسجم و صریح نیز باشد.

۱. برداشت کلی شما از کتاب چیست؟ این برداشت بر چه اساسی شکل گرفته است؟ یعنی به خواننده بگویید چه فکر می‌کنید و چگونه به این داوری رسیده‌اید. وقتی کتاب را برای خواندن برگزیدید می‌خواستید چه چیزی را یاد بگیرید؟ توقعاتتان تا چه حد برآورده شد و آیا کتاب در این زمینه مؤثر بود؟ آیا با نویسنده موافق بودید یا مخالف؟ آیا گاهی دلتان می‌خواست با نویسنده گفتگو کنید؟ واکنش‌هایتان را بسط و شرح دهید.

۲. فرضیه نویسنده را مشخص کنید و آن را به زبان خود شرح دهید. آیا این فرضیه به‌روشنی بیان شده بود؟ در چه شرایطی عرضه شده و در نهایت، بسط داده شده بود؟ این فرضیه تا چه حد و به چه میزان (یعنی با چه نوع از مدارک و مستندات) اثبات شده بود؟ از مثال‌هایی برای شرح پاسخ خود بهره بگیرید. اگر جای مباحث یا دیدگاه‌هایی در کتاب خالی است فکر می‌کنید این امر به چه دلیل رخ داده است؟

۳. اهداف نویسنده چه بوده است؟ تا چه حد موفق شده است، خصوصاً با در نظر گرفتن شیوه سازمان‌دهی مطالب کتاب، به این اهداف دست یابد؟ آیا این اهداف توجیه و اثبات شده‌اند؟ (اهداف نویسنده غالباً در پیشگفتار یا مقدمه کتاب یا گاهی اوقات در بندهای ابتدایی فصل نخست ذکر می‌شوند. اگر آنها را نیافته‌اید این امر چه نکته‌ای را درباره کتاب یا نویسنده فاش می‌کند؟ آیا به‌رحال توانسته‌اید به آنها پی ببرید؟ اگر پاسخ مثبت است، چگونه؟) سازمان‌دهی مطالب کتاب تا چه حد در خدمت اهداف نویسنده بوده است؟ خواه این اهداف صراحتاً بیان شده باشد، خواه تلویحاً ذکر شده و شما به آنها پی برده باشید.

۴. موضوعات اصلی مورد نظر نویسنده چگونه در کتاب ارائه، شرح و اثبات شده است؟ چه فرضیاتی پشت این موضوعات پنهان است؟ به نظر شما مؤثرترین شیوه

در فشرده کردن یا ساماندهی دوباره به طرح نویسنده در ارائه مطالب و مباحث چیست؟

۵. آیا نویسنده توانسته است مطالب ارائه شده را به نحو مؤثری جمع بندی کند؟ آیا ارتباط بین جمع بندی مطالب و شواهدی که در اثبات آن آمده به نحوی منطقی و روشن صورت گرفته است؟ از مثال هایی برای اثبات ارزیابی خود بهره بگیرید.

۶. نویسنده به چه نتایجی دست یافته است و آیا این نتایج به صراحت بیان شده است؟ آیا این نتایج، حاصل پیگیری فرضیه نویسنده و اهداف پژوهش و شیوه هایی است که این فرضیه و اهداف، بر اساس آن گسترش یافته اند؟ به عبارت دیگر، آیا کتاب به نحو مؤثری سروسامان یافته است؟

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۱ و ۲  
بهار و تابستان ۱۳۹۷

۱۵

۷. مفروضاتی را که نویسنده هم در رویکرد به کتاب و هم در تألیف کتاب مسلم انگاشته شناسایی کنید. مثلاً نویسنده توقع داشته خواندگانش از چه دانش پیشینی برخوردار باشند؟ این مفروضات به چه شیوه مؤثری در ارائه کلی مطالب به کار گرفته شده اند؟ به نظر شما نویسنده چه مفروضاتی را نمی بایست مسلم می پنداشت؟ چرا؟

۸. آیا می توانید فلسفه اصلی نویسنده در نگارش کتاب را شناسایی کنید؟ اگر پاسخ مثبت است این فلسفه چگونه بر ارائه مباحث کتاب تأثیر گذاشته است؟ و اگر پاسخ منفی است، فکر می کنید چه نوع تفکر یا نگرشی محرک نویسنده بوده است؟

۹. از دیدگاه نویسنده، عامل محرک تاریخ چیست؟ آیا عمدتاً نیروهای فردی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ملی گرایی، طبقه، نژاد و جنسیت عامل محرک تاریخ است یا عاملی دیگر؟ این دیدگاه محرک تاریخ چه اثری بر شیوه پیشبرد کتاب به دست نویسنده داشته است؟

۱۰. آیا عرضه مطالب کتاب از سوی نویسنده صحیح و منصفانه صورت گرفته است؟ آیا تفاسیر نویسنده جانبدارانه است؟ آیا می توانید هر گونه تحریف، اغراق یا دست کم گرفتن مطالب را در متن شناسایی کنید؟ اگر چنین است این کار ممکن است به چه هدفی صورت گرفته باشد و چه تأثیری بر عرضه مطالب به طور کلی گذاشته است؟

۱۱. آیا تاریخ انتشار کتاب در مقایسه با مضمون کتاب نشان نمی دهد که دوره ای که کتاب در آن نوشته شده تأثیری بر نظر نویسنده داشته است؟ مثلاً کتاب هایی که در دوره رکود اقتصادی بزرگ آمریکا یا در طول جنگ جهانی دوم یا در دوره جنگ سرد نوشته شده اند شاید تحت تأثیر نگرش ها و طرز تلقی غالب قرار گرفته باشند. به عبارت دیگر، از آنجاکه هر عصری تاریخ خود را می نویسد کتاب تا چه حد نمایانگر زمانه خویش است؟

۱۲. آیا ملیت، جنسیت، نژاد، قومیت، طبقه یا سن نویسنده (تا حدی که از آن

مطالعید) بر نوشتار نویسنده مؤثر بوده است؟ آیا نویسنده، آشکارا یا پنهان به هیچ نوع جانبداری و تعصبی اعتراف نکرده است؟

۱۳. آیا مطالبی که در کتاب عرضه شده کنجکاوی شما را درباره موضوع برنینگیخته است و آیا کتاب مورد نظر هیچ ویژگی خاص و منحصر به فردی دارد؟  
 احياناً کتاب تأثیری بر روند تحصیل یا سایر فعالیت‌های شما نداشته است؟ پس از گذشت یک هفته، یک ماه یا یک سال احتمالاً چه مطالبی از مطالب کتاب را به یاد می‌آورید؟ در اینجا نیز پاسختان را شرح دهید.

۱۴. آیا اطلاعات کاملی در کتاب هست؟ آیا موضوع کتاب، تمام و کمال بررسی شده یا به شکل خلاصه به آن پرداخته شده است؟ اگر شما ویراستار کتاب بودید چه چیزی به کتاب می‌افزودید تا آن را کامل‌تر و فراگیرتر کند؟ چه مطالبی را از کتاب می‌کاستید که ممکن است نامربوط یا گمراه‌کننده باشد؟ دلیلش را شرح دهید.

۱۵. کتاب چگونه و از چه نظر نسبتاً با محتوای درسی که خوانده‌اید در ارتباط است؟ آیا محتوای کتاب با مطالبی که در کتاب‌ها یا متون دیگر خوانده‌اید یا در کلاس بحث‌شده تناقض دارد یا افزون بر آنها مطالبی دارد؟ این تفاوت‌ها را چگونه شرح می‌دهید یا احتمالاً برطرف می‌سازید؟

۱۶. آیا کتاب خوب نگارش یافته است؟ در صورت تمایل، مطالبی را از کتاب نقل کنید تا سبک نوشتاری یا نکته‌ای خاص را روشن سازد. مطالبی که نقل می‌کنید کوتاه و ترجیحاً یک جمله باشد.

۱۷. اگر کتاب حاوی شکل یا تصاویر است (مثلاً عکس‌ها، جداول، نمودارها، پیوست‌ها) آیا خواندن آنها در پیگیری مطالب، آسان است؟ آیا در متن کتاب به آنها ارجاع داده شده است؟ اگر چنین است آیا آنها به کار گرفته شده‌اند تا هم بر متن و هم بر درک شما از متن بیفزایند؟ اگر شما در استفاده از این مواد و مطالب دچار مشکل شده‌اید علت را شرح دهید.

۱۸. پانویس‌ها یا ارجاعات پایان کتاب آیا برای شمای خواننده سودمند بوده است؟ آیا شما از آنها استفاده کردید؟ چگونگی آن را شرح دهید. اگر در این یادداشت‌ها به چیزی بیش از منابع استناد شده، این کار در خدمت چه هدفی صورت گرفته است؟

۱۹. کیفیت کتاب‌شناسی‌ای که در کتاب ارائه شده چگونه است؟ با در نظر گرفتن تاریخ انتشار کتاب، آیا نویسنده با تمامی آثار حوزه کاری خود آشناست و آیا در این زمینه روزآمد است؟ به نظر می‌رسد نویسنده بر چه نوع منابعی متکی است؟ چه نوع از منابع دست اول و دست دوم؟ شما به چه اندازه از کاربرد این منابع تحت تأثیر قرار گرفتید و چرا؟

۲۰. اگر فرصت پیدا کردید که از نمایه کتاب استفاده کنید بهره بردن از آن تا

چه حد برایتان آسان یا دشوار بوده است و چقدر در یافتن آنچه در پی‌اش بودید برایتان سودمند بوده است؟ آیا هیچ موضوعی بوده که در نمایه از قلم افتاده باشد؟ اکنون، مجهز به این پرسش‌ها - که کاملاً طوری طرح شده تا تفکربرانگیز باشد - دانشجویان راه و روشی دارند که می‌توانند بر اساس آن، مقاله نقد کتاب خود را تدوین و سازماندهی کنند. حالا دیگر ندانستن نحوه انجام این کار، بهانه‌ای پذیرفتنی نیست و دانشجویان، بهتر می‌توانند از این شیوه برای خلاقیت بهره ببرند. از این طریق، حتی می‌توانند مهارت‌هایی را رشد دهند که با بهره‌بردن از آن می‌توان خلاصه و نقد کتاب را درهم آمیخت، به شیوه‌ای که این دو، دیگر دو میحث جدا از هم و بی‌ارتباط با هم نباشند.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۲ و ۱  
بهار و تابستان ۱۳۹۷

۱۷

به‌علاوه با آگاهی از این پرسش‌ها و با اندیشیدن به آنها دانشجویان می‌توانند بیاموزند که نقادانه‌تر بخوانند و به کار نویسندگان و چگونگی آن نیز بیندیشند. هر جزئی از این مسیر، مهم است؛ آموختن اینکه چطور نقادانه فکر کنند و بنویسند، می‌تواند به آنها در هر رشته‌ای که باشند کمک کند و به‌طور کلی می‌تواند موجب رشد هرچه بیشتر آنها در مقام شهروندانی تحصیلکرده و متفکر شود.

دانشجویان، تا وقتی که به خود فرصت بهره‌مندی از تجربه نگارش نقد و بررسی کتاب را نداده باشند احتمالاً تصور می‌کنند که این مهارت خارج از توان آنهاست، اما با استفاده از این تابلوهای جهت‌نما به شکل راهنماها و پرسش‌هایی که اندیشه آنها را هدایت می‌کند بسیاری از آنها از این پس می‌توانند شیوه‌هایی را کشف و در آن رشد کنند که تاکنون برایشان ناشناخته بوده است. مطمئناً این تجربه به اندازه‌ای مؤثر است که این کار را به تمرینی مفید و هیجان‌انگیز تبدیل خواهد کرد. خصوصاً با توجه به این که من این راهکارها را در طول سال‌ها بازنویسی و اصلاح کرده‌ام و به کار بردن آنها برای دانشجویان خودم نیز بسیار مؤثر بوده است.

## پی‌نوشت

### 1. Book Review

۲. این مقاله که ترجمه‌ای است از فصلی از نشریه: *The History Teacher*, Volume 27, Number 2, 159-166 (February 1994) با اندکی تغییرات جزئی، به شکلی ترجمه شد که به کار تمامی دانشجویان رشته‌های علوم انسانی بیاید، مترجم.

### 3. Thesis Statement

جمله نظریه: جمله‌ای است بیانگر فرضیه پژوهشگر در انواع نوشتار تحقیقی از جمله در مقاله، پایان‌نامه و رساله. در واقع، پژوهشگر نوشتارش را بر اساس آن جمله و در پاسخ به آن می‌نویسد. جمله نظریه معمولاً در میانه یا در پایان بند مقدماتی مقاله ذکر می‌شود و خلاصه‌ای از مسئله اصلی یا مدعای مقاله را عرضه می‌کند، م.

### 4. Topic Sentence

۵. برای دستیابی به بینشی عالی که چگونه به دانشجویان تحلیل نقادانه آثار تاریخی را بیاموزید به این کتاب رجوع کنید:

Robert F. Berkhofer, Jr., "Demystifying Historical Authority: Critical Textual Analysis in the Classroom." In: *History Anew: Innovations in the Teaching of History Today*, edited by Robert Blackey (Long Beach: The University Press, California State University, Long Beach, 1993).

6. Critique

7. Topic Sentences

8. Transition

رابط: کلمه یا عبارتی است که در هر نوشتار، ایده‌ای را به ایده دیگر پیوند می‌دهد. عبارات رابط انواع گوناگونی دارند که تعدادی از آنها عبارت‌اند از: هر چند، اما، سرانجام، حتی، در مجموع، مثلاً، وقتی که و ... .

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۱ و ۲  
بهار و تابستان ۱۳۹۷